



میزگرد

خصوصی سازی ، انتظارها و پی آمدها

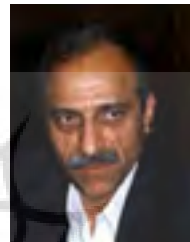
با تصویب قانون اجازه تأسیس شرکت های بیمه غیردولتی و تدوین آیین نامه اجرایی آن توسط هیأت دولت ، صنعت بیمه عملاً وارد مرحله اجرایی خصوصی سازی شد. به منظور بررسی اهداف و پیامدهای خصوصی سازی ، بر آن شدیم تا گفتگویی را با تنی چند از صاحب نظران و مسئولان امر ترتیب دهیم . از شما دعوت می شود در این گفتگو با ما همراه باشید.



محمد مهدی علوی



ضیا رفیعیان



نصراله طهماسبی



محمد شاهی عرب لو

مدیر، مدیر، رئیس کمیته فنی و معاون بیمه مرکزی ایران، عضو صندوق مشترک بیمه آتشسوزی شرکت های بیمه، عضو کمیته فنی صندوق اتکایی شرکت های بیمه، عضو کمیته نرخ بیمه مرکزی ایران، رئیس هیات مدیره شرکت بیمه صادرات و سرمایه گذاری، عضو کمیته و شورای فنی بیمه آسیا در سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۶. هم اکنون عضو شورای عالی بیمه، قائم مقام کلوب آسیایی و رئیس هیات مدیره دفتر مدیریت خطر.

○ **تالیفات و تحقیقات:** تدوین گزارش های متعددی از وضعیت بیمه ایران طی سال های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۶، تدوین گزارش صندوق بیمه هواپیمای فدراسیون بیمه گران آسیایی و آمریکایی.

تجارت از دانشکده حقوق پاریس، دیپلم بیمه از مدرسه بیمه پاریس، دیپلم انستیتوی علوم اداری و اقتصادی پاریس، مدرس مدرسه عالی بیمه تهران.

○ **سوابق اجرایی:** رئیس اداره اتکایی اجباری بیمه ایران، مدیر بیمه باربری بیمه ایران، مدیر فنی بیمه ایران، مدیرعامل بیمه البرز.

○ **تالیفات و تحقیقات:** تألیف کتاب خسارات عمومی در بیمه باربری، تدوین جزوه آموزشی بیمه باربری، تدوین جزوه حقوق بیمه، تدوین مقالات متعدد و تخصصی در روزنامه ها و مجلات.

● **محمد مهدی علوی**
○ **تحصیلات:** لیسانس ریاضی.
○ **سوابق اجرایی:** کارشناس، معاون اداره، رئیس اداره، معاون

● **نصراله طهماسبی**
○ **تحصیلات:** فوق لیسانس مدیریت بازرگانی، لیسانس بیمه.

○ **سوابق اجرایی:** معاون نظارت بیمه مرکزی ایران، رئیس کمیته امور فنی، مدیر دفتر تحقیقات و پژوهش های بیمه ای، مشاور رئیس کل، مدیرعامل بیمه البرز، کارشناس بیمه، مدرس بیمه، عضو هیئت تحریریه فصلنامه بیمه مرکزی، عضو شورای پژوهش های بیمه ای مرکز تحقیقات بیمه ای.

○ **تالیفات و تحقیقات:** ترجمه مقالات تخصصی.

● **ضیا رفیعیان**
○ **تحصیلات:** لیسانس حقوق قضایی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، دکترای حقوق

● **محمد شاهی عرب لو**
○ **تحصیلات:** خارج فقه و اصول و حقوق قضایی.

○ **سوابق اجرایی:** مسئول عقیدتی سیاسی حرم مطهر حضرت امام (ره)، معاون روابط عمومی و تبلیغات ژاندارمری مرکز، رئیس عقیدتی سیاسی گردان اجرائیات ناحیه ژاندارمری مرکزی، مسئول عقیدتی سیاسی یگان ویژه پاسداران ناحیه نظامی استان تهران، مسئول عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی غرب تهران، نماینده مردم هشتگرد در مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی.

○ آسیا: بررسی‌ها نشان می‌دهند، تأمین نیازهای گسترده بیمه‌ای جامعه از توان محدود چهار شرکت بیمه دولتی خارج می‌باشد و دستیابی به وضعیت مطلوب صنعت بیمه در کشور، نیازمند بکارگیری مشارکت بخش خصوصی است. با توجه به تصویب قانون اجازه تأسیس شرکت‌های بیمه غیردولتی توسط مجلس شورای اسلامی، از آقای شاهی عرب‌لو درخواست می‌شود در مورد ضرورت خصوصی سازی و نحوه اجرای آن توضیح دهند.

• **شاهی عرب‌لو:** اهمیت صنعت بیمه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی مطرح است. از آنجاکه صنعت بیمه می‌تواند در کلیه ابعاد زندگی نقش داشته باشد، از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. انسان‌ها در فعالیت‌های مختلف خود نیازمند خدمات بیمه‌ای هستند. بدین ترتیب بیمه دارای کارکردهای متعددی است و مهم‌ترین کارکرد آن نیز ایجاد امنیت می‌باشد. اقتصاددانان نیز نقش صنعت بیمه را چه در تولید، چه در توسعه صنایع و چه در جذب

سرمایه‌های بخش خصوصی، مهم ارزیابی می‌کنند. صنعت بیمه می‌تواند یک پوشش کامل و منطقی را در صنایع ایجاد نماید. بدین ترتیب نه تنها از ورشکستگی آنها جلوگیری می‌شود، بلکه در توسعه و بهسازی و نوسازی صنایع نیز مؤثر واقع می‌گردد. از دیگر نقش‌های مهم صنعت بیمه، جذب سرمایه‌های پراکنده در سطح جامعه و بکارگیری آنها در جهت اهداف توسعه است.

بیمه صنعتی فراگیر است و از احاد جامعه تا واحدهای کلان اقتصادی و اجتماعی را موضوع فعالیت خود قرار می‌دهد و موجب ایجاد اطمینان و آرامش در فعالیت آنان می‌گردد. بدیهی است بدون وجود آرامش و اطمینان، زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری و نیز لوازم تحقق اهداف توسعه پدید نخواهد آمد. یک اقتصاد موفق نیازمند صنعت بیمه‌ای کارا است. تأمین شرایط مطلوب اقتصادی، نیازمند عواملی خاص می‌باشد که بیمه یکی از مهم‌ترین آنها است. بدیهی است وقتی اشتغال و

شکوفایی اقتصادی در جامعه وجود داشته باشد، قطعاً بر فرهنگ، مسایل اجتماعی و امنیتی جامعه هم اثر می‌گذارد. در زمان تصویب برنامه پنج ساله سوم و در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، بنده هم جزو کسانی بودم که روی برنامه سوم کار می‌کردند. در ماده ۹۸ که طرح بانک‌های خصوصی در آن مطرح بود، پیشنهادهایی برای بیمه‌های خصوصی ارائه شد. ولی متأسفانه به تصویب نرسید. با این‌که در ماده ۹۶ به مسایل بیمه‌ای برنامه پنج ساله سوم پرداخته شد، ولی طرح بیمه‌های خصوصی نتوانست تصویب شود. بعدها با تلاشی که اعضای محترم کمیسیون اقتصادی در مجلس ششم انجام دادند، این طرح تصویب شد. البته در این میان از دیدگاه مدیران عامل شرکت‌های بیمه و کارشناسان ارشد این حوزه و به ویژه نظرات آقای ضمیری نیز استفاده شد و بالاخره قانون تأسیس شرکت‌های بیمه خصوصی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. همان‌طور که مستحضر



هستید، تدوین آئین‌نامه اجرایی آن از وظایف دولت است که امیدواریم آئین‌نامه خوبی تدوین و ارایه شود. مهم‌ترین مسأله‌ای که در آئین‌نامه قانون مذکور می‌بایست ذکر می‌شد - براساس ماده دو - حداقل سرمایه‌ای - مؤسسات بود که اخیراً تصویب شد. در ماده واحده نیز به چند مطلب مهم اشاره شده است. مسأله اول افزایش رقابت در بازار بیمه است. بالاخره باید قبول کنیم که هر انقلابی در ابتدا حرکت‌هایی دارد و برخی از ساختارها را متأثر می‌کند. صنعت بیمه کشور ما نیز متأثر از آن فضا دچار تغییراتی شد که می‌بایست به مرور زمان ترمیم و اصلاح شود.

باید بپذیریم که اقتصاد دولتی در دنیای امروز دیگر پاسخگو نیست و قطعاً باید دولت از تصدی‌گری خود کاسته و نظارت و حاکمیت خویش را بیشتر کند. اقتضای اقتصاد امروز، اقتصاد بخش خصوصی و استفاده از مشارکت بخش‌های غیردولتی است. لذا باید به سرمایه‌های بخش خصوصی توجه شود. در غیر این صورت آنها از سرمایه خود براساس برنامه‌ریزی موردنظر خویش استفاده می‌کنند. ما باید به مسأله فرار سرمایه‌های اقتصادی توجه کنیم. اگر از مغزهایمان استفاده نکنیم، آن مغزها در جای دیگری جایگاه خود را باز خواهند کرد. اقتصاد بخش خصوصی هم همین‌طور است.

اگر نتوانیم از بخش خصوصی و سرمایه‌های این بخش - که واقعاً دارای سرمایه‌های هنگفتی هم هست - استفاده کنیم، یقیناً آنها هم در جای دیگر جای خود را باز خواهند کرد. من همین صحبت را در جلسه مشترک دولت و مجلس عنوان کردم و گفتم که جمعیت ایران یک هزارم جمعیت دنیا است. ولی چهار هزارم دارایی‌های دنیا در ایران و برای ایرانیان است. ما



وقتی صنعت بیمه مختلط شد

(دولتی و خصوصی) می‌تواند

برای جذب مشتری خدمات بهتری

را از نظر کمیت یا کیفیت ارایه

کند. همین امر موجب می‌شود که

خود به خود در جامعه نوعی

آرامش اجتماعی و فرهنگ جدید

به وجود بیاید

اگر بتوانیم از این بخش - که واقعاً دارای سرمایه‌های هنگفتی هم هست - استفاده کنیم، یقیناً آنها هم در جای دیگر جای خود را باز خواهند کرد. من همین صحبت را در جلسه مشترک دولت و مجلس عنوان کردم و گفتم که جمعیت ایران یک هزارم جمعیت دنیا است. ولی چهار هزارم دارایی‌های دنیا در ایران و برای ایرانیان است. ما اگر بتوانیم از این چهار هزارم به شکل شایسته‌ای استفاده کنیم، با توجه به این که یک هزارم جمعیت دنیا را داریم، بی‌تردید می‌توانیم زندگی

بسیار خوبی داشته باشیم. اگر مدیریت خوبی اعمال بشود، کشور و مردم ما جزو افراد ثروتمند خواهند بود. نه این که امروز دغدغه مهم مسئولین ما این باشد که با فقر اقتصادی و به دنبال فقر با فساد ناشی از آن مبارزه کنند و جلوگیری از فساد را در صدر برنامه‌های کشور قرار دهند. این که بی‌کاری دغدغه مهمی است، نشان می‌دهد که در برهه‌های مختلف اقتصادی نقصان‌های مهمی داریم. چنانچه همه اجزای یک فرآورده صنعتی یک جا جمع نشوند، موتور آن حرکت نخواهد کرد. در اقتصاد هم همین‌طور است. موتور اقتصاد پیچ و مهره‌های خاص خود را دارد. چنانچه آنها در یک جا جمع نشوند و آن رابطه معنادار میان

آنها ایجاد نشود، اقتصاد حرکت نخواهد کرد. می‌شود گفت یکی از مهره‌های مهم این موتور، صنعت بیمه است. این صنعت به غیر از این که می‌تواند امنیت و آرامش اقتصادی را برای جذب سرمایه‌ها ایجاد کند، می‌تواند قطعه‌ای مهم برای موتور اقتصادی باشد. ما می‌توانیم به وسیله صنعت بیمه از برنامه‌های توسعه پشتیبانی کنیم. یعنی می‌توانیم اشتغال، امنیت شغلی و امنیت اقتصادی ایجاد کنیم و به دنبال آن توسعه صنایع تولیدی را - که در نهایت رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال را به دنبال دارد - فراهم آوریم. اگر من در کنار رونق اقتصادی به مسأله اشتغال اشاره می‌کنم، به خاطر این است که رونق اقتصادی نتیجه فعالیت مغزها و اجرای برنامه‌هاست و برنامه‌ریزی هم با انسان است. اگر نتوانیم از متفکرین و انسان‌های تحصیل کرده جامعه استفاده کنیم، قطعاً در شکوفایی اقتصادی هم مشکل خواهیم داشت.

به تعبیری یکی از مهم‌ترین مهره‌های موتور اقتصادی، نیروی انسانی است. مسأله تنها پول نیست، نیروی انسانی هم مهم است و صنعت بیمه می‌تواند در استفاده از نیروی انسانی هم مؤثر واقع شود.

به اعتقاد من یکی از مسایل مهم صنعت بیمه، مسأله رقابت است. بعضی‌ها فکر می‌کنند رقابت تنها در جذب مشتری و یا ایجاد ذخایر و این‌گونه مسایل مطرح است. این جور نیست. رقابت در تمام جهات، هم در کمیت و هم در کیفیت مؤثر است. اگر بتوانیم بیمه‌های بخش خصوصی را رایج کنیم و یکی از اهداف هم ایجاد رقابت باشد، آن رقابت تنها اقتصادی نخواهد بود. بلکه در بعد کیفیت هم می‌توانیم رقابت

ایجاد کنیم. وقتی صنعت بیمه مختلط شد، می‌تواند برای جذب مشتری خدمات بهتری را از نظر کمیت یا کیفیت ارائه کند. همین امر موجب می‌شود که خود به خود در جامعه نوعی آرامش اجتماعی و فرهنگ جدید به وجود بیاید. یعنی این رقابت‌ها می‌تواند در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز اثرگذار باشد. مسأله دیگر گسترش امنیت است. باید بپذیریم که بدون امنیت اقتصادی، هیچ‌کس، حتی ایرانیان چه در داخل و چه در خارج حاضر نخواهند شد برای شکوفایی اقتصادی این کشور قدم بر دارند. ولو دلشان برای کشور بتپد. باید این امنیت برای آنان حاضر باشد. در همین اواخر سفری به فرانسه، سوئیس و بلژیک داشتم. در این سفر پیرامون مسایل بیمه‌ای، بانکی و سرمایه‌گذاری با مسؤولان این کشورها جلساتی داشتیم. در این جلسات متوجه شدیم، عامل اصلی سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم این کشورها وجود ثبات قانونی و امنیت اقتصادی است و این مسأله‌ای است که ما در مورد دستیابی به آن باید قدم‌های بلندی برداریم.

باید این دو مسأله در کشور ما نیز فراهم شود. می‌خواهیم از سرمایه‌های خارجی استفاده کنیم، در حالی که این اعتماد و امنیت را در داخل ایجاد نکرده‌ایم. صنعت بیمه می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در حل این مشکل باشد. هم برای سرمایه‌گذاران داخلی و هم برای سرمایه‌گذاران خارجی. من احساس می‌کنم قانونی که برای بیمه وضع شده است، قانون بسیار خوب، خلاصه و ساده‌ای است. دولت می‌تواند در آیین‌نامه‌اش این قانون را باز هم ساده‌تر اجرا نماید. به نحوی که با ساختار صنعت بیمه تطابق داشته و مشکلاتی را

که اشاره شد، تشدید نکند. آخرین صحبت من درباره نحوه خصوصی‌سازی است. در برنامه‌های پنج ساله دوم و سوم، خصوصی‌سازی پیش بینی شده است. ولی در لایحه بودجه سال هشتم ملاحظه شد که فقط ۱۰۵ مورد از شرکت‌های دولتی بسته شده است. این نشان می‌دهد که فقط ۱۰۵ شرکت واگذار شده‌اند. به نظر من هدف از خصوصی‌سازی این نیست که دولت فقط این‌ها را واگذار کند. این قسمتی از خصوصی‌سازی است. عمده بحث خصوصی‌سازی، ایجاد بخش‌های خصوصی بالا‌ساله است. وقتی که می‌گوییم بیمه خصوصی باشد، منظور این نیست که صرفاً این چهار شرکت واگذار شوند، بلکه منظور این است که بیمه‌ها و مؤسسات جدیدی تشکیل شود. افراد بتوانند جاذبه اقتصادی ایجاد کرده و زمینه‌های ایجاد و توسعه امنیت را فراهم سازند. باید از طریق بیمه هم امنیت و هم جاذبه اقتصادی ایجاد شود. بدیهی است می‌بایست در مورد

ابزارها و امکانات مختلف نوعی هماهنگی وجود داشته باشد. در غیر این صورت زمینه رقابت سالم بین بخش دولتی و خصوصی وجود نخواهد داشت. یعنی بخش خصوصی به دلیل عدم برخورداری از محدودیت‌ها، نیروهای متخصص بخش دولتی را جذب خواهد کرد و این تبعیض‌ها موجب بروز مشکلاتی می‌شود. باید این رقابت سالم را - که در قانون هم پیش‌بینی شده است - ایجاد کنیم. به همین خاطر، پیشنهادی تحت عنوان تبصره ۲ - که در طرح اولیه نبوده است - مطرح شده است. مبنی بر این که در اعطای امتیاز به موجب قوانین بیمه‌گری نباید بین مؤسسات بیمه دولتی و غیردولتی تبعیض اعمال شود. مسأله مهم بررسی و پژوهش است. کلیه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها می‌بایست براساس مطالعه و بررسی صورت پذیرند. به نظر من نماینده مجلس وظیفه دارد از دیدگاه‌های کارشناسان بهره‌برداری کند. لذا من از



کلیه کارشناسان و مدیران صنعت بیمه درخواست می‌کنم ما را از دیدگاه‌های کارشناسانه خود بهره‌مند سازند.

○ آسیا: بدیهی است ورود ظرفیت‌های جدید به بازار بیمه تغییرات قابل توجهی را بر ساختار صنعت بیمه بر جای خواهد نهاد. آقای طهماسبی به نظر جنابعالی در راستای اهداف خصوصی سازی، ساختار مناسب صنعت بیمه چه خواهد بود.

• طهماسبی:
سؤال مهمی را مطرح نمودید که پاسخ آن نیاز به چندین جلسه

بحث کارشناسی دارد. به عنوان مقدمه لازم است به ساختار صنعت بیمه قبل از انقلاب اسلامی نگاهی داشته باشیم و تحولات بعد از انقلاب این صنعت و نتایج حاصل از آن را مد نظر قرار دهیم و در مجموع با بهره‌گیری از تجارب حاصل از حدود ۷۰ سال فعالیت صنعت بیمه در کشور و نیز تجربه سایر کشورها در این بخش، ساختار مطلوب صنعت بیمه را طراحی کنیم.

چنان‌که می‌دانید قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران، پانزده شرکت بیمه در کشور فعالیت می‌کردند که یکی از آنها دولتی و چهارده شرکت دیگر خصوصی بودند. در سال ۱۳۵۸ با تصویب شورای انقلاب، پروانه فعالیت دو شرکت بیمه خصوصی - که به نمایندگی از سوی

شرکت‌های بیمه خارجی در ایران فعالیت می‌کردند - باطل شد و ۱۲ شرکت خصوصی دیگر نیز ملی اعلام شدند. متعاقباً طی سال‌های ۱۳۶۰ و

۱۳۶۱ فعالیت کلیه

شرکت‌های بیمه ملی

شده، به استثنای

شرکت‌های بیمه آسیا

و البرز متوقف گردید

. در سال ۱۳۶۷ با

تصویب قانون اداره

شرکت‌های بیمه کلیه

شرکت‌های بیمه

متوقف شده در

شرکت بیمه دانا ادغام

شدند. همچنین مقرر

شد که شرکت مذکور

فعالیت مجدد خود را

در بخش بیمه‌های

اشخاص آغاز نماید.

متعاقباً مجوز فعالیت

در سایر رشته‌های

بیمه‌ای نیز به آن

شرکت داده شد و بالاخره در سال

۱۳۷۳ با مشارکت شرکت‌های بیمه و

تعدادی از بانک‌های کشور، شرکت

بیمه صادرات و سرمایه‌گذاری با هدف

ارایه پوشش‌های بیمه اعتباری به

صادرکنندگان کالا و خدمات تأسیس

شد. بعد از مدتی مجوز صدور

بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی، باربری و

مسئولیت نیز به آن شرکت اعطا گردید.

بنابراین در حال حاضر پنج شرکت بیمه

دولتی در ایران وجود دارد که تقریباً

فعالیت‌های مشابهی را انجام می‌دهند.

تصویب قانون تأسیس و فعالیت

مؤسسات بیمه غیردولتی را می‌توان

نقطه عطفی در تاریخ فعالیت‌های

بیمه‌ای پس از انقلاب دانست و

امیدوارم اجرای آن موجب افزایش کیفیت خدمات بیمه‌ای و توسعه بازار بیمه گردد.

مطمئناً در این مقطع یکی از مهم‌ترین

اقداماتی که می‌بایستی توسط

سیاست‌گزاران صنعت بیمه به عمل آید،

ترسیم ساختار مطلوب صنعت بیمه

کشور و تعیین جایگاه بخش‌های دولتی

و خصوصی و ابعاد فعالیت آنها در بازار

بیمه است. برای این منظور لازم است

پاسخ چند سؤال اساسی مشخص شود.

اولین سؤال این است که آیا در شرایط

جدید، برای ادامه فعالیت پنج شرکت

بیمه دولتی موجود، ضرورتی وجود

دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است؛ آیا

فعالیت آنها می‌بایستی به همان نحوی

که تاکنون بوده است ادامه یابد و یا

این‌که تغییراتی در ساختار و نحوه اداره

آنها ایجاد گردد (مثلاً تبدیل این

شرکت‌ها، به شرکت‌های تخصصی در

رشته بیمه‌های عمر، غیرعمر، اتکائی و

یا اشکال دیگر) و اگر پاسخ منفی است؛

چه تصمیمی در مورد آنها بایستی اتخاذ

گردد؟ (فروش تمام یا بخشی از سهام

بعضی از آنها به بخش خصوصی یا

ادغام برخی از آنها در یکدیگر از جمله

گزینه‌های قابل بررسی می‌باشد)

در هر حال، آنچه که مسلم است کماکان

تعدادی از شرکت بیمه دولتی در بازار

بیمه فعال خواهند بود و ورود بخش

خصوصی به بازار بیمه، آنها را با

چالشی جدید در زمینه حفظ مشتریان،

نمایندگان و پرسنل متخصص آنها

مواجه خواهد ساخت. می‌بایست

تدابیری اندیشیده شود که این شرکت‌ها

با مشکل حادی مواجه نگردند.

خوشبختانه این امر در ماده ۹۶ قانون

برنامه سوم توسعه پیش‌بینی شده است

و تصویب آیین‌نامه‌های مربوط می‌تواند

شرکت‌های بیمه دولتی را در شرایط



ورود بخش خصوصی به بازار بیمه، شرکت‌های دولتی را با چالشی جدید در زمینه حفظ مشتریان، نمایندگان و پرسنل متخصص آنها مواجه خواهد ساخت. می‌بایست تدابیری اندیشیده شود که این شرکت‌ها با مشکل حادی مواجه نگردند

مناسبی جهت رقابت با شرکت‌های بیمه غیردولتی که در آینده نزدیک وارد بازار بیمه خواهند شد قرار دهد.

نکته بعدی موضوع نقش و جایگاه مؤسسات بیمه غیردولتی در بازار بیمه کشور است. این سؤال که آیا محدودیتی برای تأسیس شرکت‌های بیمه خصوصی از نظر تعداد یا حوزه فعالیت در نظر گرفته خواهد شد یا خیر، موضوعی است که برای پاسخ به آن می‌بایستی نگاهی به حجم حق بیمه صادره بازار، جایگاه صنعت بیمه کشور در جهان، حق بیمه سرانه و نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی کشور داشته باشیم و خود را با کشورهایی که از نظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و میزان جمعیت در شرایط مشابهی با کشور ما قرار دارند، مقایسه کنیم تا به این نتیجه برسیم که حق بیمه سرانه حدود ۱۵ دلار و ضریب نفوذ بیمه معادل ۰/۷۲ درصد به هیچ‌وجه مناسب کشور بزرگ ایران نمی‌باشد و ظرفیت بالقوه این بازار چندین برابر ظرفیت بالفعل آن است. لذا بخش خصوصی می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق وارد بازار بیمه شده و سهم قابل توجهی را در توسعه آن، به خود اختصاص دهد.

با توجه به مراتب فوق به نظر می‌رسد دلیلی وجود ندارد که محدودیتی از نظر تعداد شرکت‌های بیمه غیردولتی که به تدریج وارد بازار بیمه خواهند شد وجود داشته باشد و کلیه متقاضیانی که از صلاحیت‌های مالی و فنی لازم برخوردار بوده و برنامه مدونی در ارتباط با نحوه تشکیل و فعالیت مؤسسه بیمه مورد نظر و اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خود و نحوه دستیابی به آنها ارایه دهند قادر به دریافت مجوز فعالیت بیمه‌ای می‌باشند.

هر چند اتخاذ تصمیم نهایی در این خصوص در صلاحیت سیاست‌گذاران ارشد صنعت بیمه می‌باشد.

○ آسیا: آقای رفیعیان همان‌گونه که استحضار دارید، یکی از اهداف اساسی خصوصی سازی توسعه بازار بیمه است، تحولات اخیر بر توسعه بازار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• رفیعیان: بنده فکر می‌کنم خصوصی سازی در صنعت بیمه یک ایده آل غیر قابل دسترسی می‌باشد. با توجه به تجاربی که داشتم، می‌دانستم که این فقط یک تئوری است و یقین داشتم

که این تئوری در جامعه ما به آن پیشرفت‌هایی که مد نظر است، نخواهد رسید. اکنون هم بر این باور هستم، آنچه که تصویب شده است، جامعه عمل نخواهد پوشید. یک اشکال اساسی که در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد، این است که به علل واقعی مشکلات نپرداخته و علت‌یابی نمی‌کنیم و بیشتر به معلول‌ها توجه کرده‌ایم.

توسعه صنعت بیمه امری بسیار عالی است. ولی برای این توسعه چه اقداماتی انجام داده‌ایم؟

آیا بنیان‌ها، ریشه‌ها و شالوده‌های مقتضی را پی‌ریزی کرده‌ایم تا انتظار توسعه این صنعت را داشته باشیم؟ کدامیک از ابزارهای توسعه صنعت بیمه فراهم شده است؟ توسعه بیمه به

توسعه برخی مؤسسات دیگر وابسته است که اگر انجام نشود، توسعه بیمه امکان پذیر نیست. یکی از عوامل اساسی در تعریف بیمه، آمار است. اگر

در یک کشور آمار دقیق و واقعی وجود نداشته باشد، بیمه نمی‌تواند بنای علمی و مناسبی داشته باشد در ایران هنوز آمار و تفسیر دقیقی در مورد هر موضوع خاص وجود ندارد. به طور مثال در مورد بیمه‌های آتش سوزی اطلاعات دقیقی از وضعیت مغازه‌های لوازم خانگی در تهران ویا هر شهر دیگری موجود نیست. براساس

چه آماری بیمه‌های اتومبیل (ثالث یا بدنه) صادر می‌کنیم؟ پس هنوز بیمه به معنی واقعی در کشور وجود ندارد. اگر این صنعت توسعه پیدا نمی‌کند، باید دید علت‌ها چیست؟ نه این‌که فکر کنیم چون بیمه دولتی است، ناموفق است و اگر بخش خصوصی را بیاوریم موفق می‌شود. این‌که می‌گویند بیمه عامل توسعه اقتصادی است، به نظر بنده نادرست است. بیمه معلول توسعه اقتصادی است. اگر روند توسعه هر کشور توسعه یافته‌ای بررسی شود (مانند ژاپن یا آلمان) می‌بینیم آن کشور ابتدا در راه توسعه اقتصادی گام برداشته و بعد بیمه در آن رشد کرده است. مجموع حق بیمه عمر در ژاپن حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است. این ۵۰۰ میلیارد

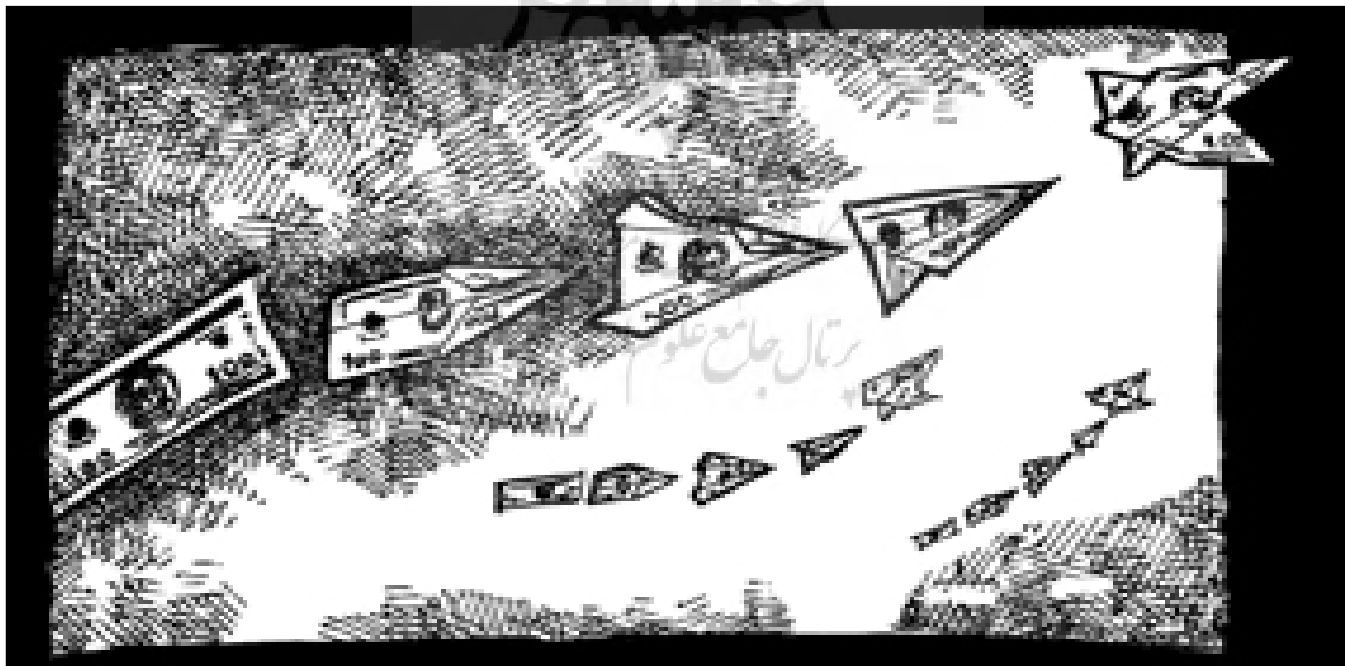


این‌که می‌گویند بیمه عامل توسعه اقتصادی است، به نظر بنده نادرست است. بیمه معلول توسعه اقتصادی است. اگر روند توسعه هر کشور توسعه یافته‌ای بررسی شود می‌بینید ابتدا در راه توسعه اقتصادی گام برداشته است و بعد بیمه در آن رشد کرده است

دلار ارتباط به دولتی یا خصوصی بودن بیمه در این کشورها ندارد. بلکه یک اقتصاد قوی و پویا با سرمایه و امکانات قوی و درآمد بالای مردم چین چیزی را به وجود می آورد. باید زمینه های اساسی توسعه بیمه را به وجود آورد. به عنوان مثال اگر یک هواپیما در ایران خسارت ببیند، باید از خارج کارشناس بیاید. ما وقتی می توانیم صنعت بیمه را در سطح مطلوب توسعه دهیم که به معنای واقعی بتوانیم کشتی یا هواپیما را تعمیر کنیم. چرا که صاحبان کشتی یا هواپیما به جایی مراجعه می کنند که بتواند خوب سرویس بدهد، خوب تعمیر کند و خوب کارشناسی انجام دهد و به دولتی یا خصوصی بودن بیمه کاری ندارند. در مورد صنعت نفت در ایران نیز این مشکل وجود دارد. دست اندرکاران شرکت نفت می گویند شما نمی توانید بیمه کنید چون امکانش را ندارید. نه توانایی رسیدگی به خسارت را دارید و نه از قابلیت انجام سایر امور کارشناسی و تعیین نرخ

برخوردارید. ما هنوز در مورد نرخ گذاری کشتی ها، هواپیماها، و سدها و... مشکل داریم و باید دست به دامن خارج دراز کنیم. ما نیروی متخصص و قوی نداریم افرادی هم که طی سال های گذشته به خارج رفته اند از دسترسی به مسائل روز بازمانده اند. پس اگر می خواهید شرکت بیمه خصوصی تشکیل دهید، نگوید شرایط می گذاریم. چون کسی که به دنبال مجوز باشد، می گوید که من همه شرایط را دارا هستم. ولی این طور نیست. ما می دانیم که شرکت های دولتی خودشان در تنگنا هستند. در حالی که شرکت های بیمه دولتی دارای نیروی انسانی متخصص و کافی نیستند، چگونه می توانند توان فنی خود را به بخش خصوصی منتقل کنند. از طرف دیگر ما نباید روحیه مردم خود را مانند روحیه مردم آلمان یا ژاپن بدانیم. نباید فکر کنیم که بخش خصوصی یا دولتی ما روحیه و اخلاق جامعه ژاپن، آلمان یا انگلستان را دارند. باید اعتراف کنیم که ما فرق

داریم. اگر بخش خصوصی قبل از انقلاب به دنبال منافع بود و نه در پی توسعه، امروز هم همین طور خواهد شد. امروز بخش خصوصی تشکیل می شود اما نه برای توسعه بیمه. در اینجا لازم می دانم به تجربه تأسیس بیمه دانا اشاره کنم. بیمه مرکزی ایران شرکتی را به نام بیمه دانا در رشته بیمه های عمر و اشخاص تأسیس کرد. بعد از گذشت مدتی به این نتیجه رسیدند که این شرکت با فعالیت در یک رشته نمی تواند روی پای خود بایستد، لذا در سایر رشته های بیمه ای نیز به بیمه دانا اجازه فعالیت داده شد. چرا؟ آیا بیمه دانا سستی می کرد؟ علت چه بود؟ باید گفت که شرایط جامعه ما قابل مقایسه با ژاپن و آلمان نیست و هر چیزی در جا و مکان خود قابل اجرا می باشد. بخش خصوصی قبل از انقلاب موفق تر از بخش دولتی نبوده است. به نظر می رسد در شرایط فعلی نیز همان طور باشد. مگر این که از اساس و بنیان کارهایی انجام شود که



موجب اصلاح بنیادی ساختارهای صنعت بیمه شود. علل و عناصری که می‌توانند بنیان‌های صنعت بیمه را متحول سازند، همان عوامل و عناصر بیان شده هستند. پس نمی‌توان شاهد تحول اساسی و توسعه این صنعت در پرتو خصوصی سازی بود. در حال حاضر از نظر نیروی انسانی و فنی، شرکت‌های بیمه نسبت به قبل از انقلاب تنزل کرده‌اند. کارشناسانی که قبل از انقلاب کم و بیش بیمه می‌دانستند و با دانش بیمه آشنا بودند در حال حاضر بسیار کم شده و اکثر آن‌ها از گردونه خارج شده‌اند. بدیهی است تعدادی از نیروهای جوان هم تحصیل کرده‌اند و در رشته‌های مربوط تا حدودی در حوزه تخصص قرار گرفته‌اند، ولی هنوز نیروی انسانی مورد نیاز صنعت بیمه کشور کافی نیست و می‌تواند منشأ تحول باشد. در کنار سرمایه مورد نیاز برای تأسیس و فعالیت شرکت‌های بیمه، مسأله نیروی انسانی بسیار اهمیت دارد؛ نیروی انسانی‌ای که در بخش‌های مدیریتی و کارشناسی بتواند با فعالیت خود اعتماد مردم را جلب نماید.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، تمرکز بخش خصوصی در تهران است. مؤسسات خصوصی در حال شکل‌گیری به طور عمده خواهان فعالیت در پایتخت هستند و این مسأله می‌تواند موجب بروز مشکلات خاصی شود. از دیگر مسائلی قابل توجه، ماهیت مؤسسات جدید بیمه خصوصی است. تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به بیمه‌گذاران بزرگ می‌شود. یعنی مؤسساتی که نیازمند پوشش‌های بیمه‌ای هستند با تأسیس شرکت بیمه، عملاً کارهای بیمه‌ای خود را انجام می‌دهند. بدین ترتیب فعالیت بیمه‌گری مخدوش

ضیا رفیعیان : یکی از عوامل اساسی در تعریف بیمه، آمار است. اگر در یک کشور آمار دقیق و واقعی وجود نداشته باشد، بیمه بهبوده است. و نمی‌تواند بنای علمی و مناسبی داشته باشد. در ایران هنوز آمار و تفسیر دقیقی در مورد هر موضوع خاص وجود ندارد

می‌شود. برای توسعه صنعت بیمه باید زمینه‌ها و عوامل اساسی و ضروری آن فراهم شود.

نیروی متخصص و کارآمد تربیت شود، بازار رقابتی سالم شکل گیرد، فعالیت‌ها تخصصی شوند و .. این عوامل با ایجاد یک دفتر بیمه‌ای در یک سازمان فراهم نخواهد شد. در این حالت بیمه‌گذار نماینده خودش می‌شود و کارمزد هم می‌گیرد و تدریجاً آن را به یک شرکت بیمه خصوصی تبدیل می‌کند. در دنیا همواره برای توسعه یک بخش، ابتدا ساختارها و شالوده‌های آن را متحول کرده‌اند و سپس متناسب و سازگار با آن، قوانین و مقررات را تدوین نموده‌اند. همان‌طور که قبلاً" عرض کردم صنعت بیمه فاقد آن عوامل و زمینه‌های اساسی برای توسعه است. دولتی یا خصوصی فرقی نمی‌کند. چنانچه آن عوامل و زمینه‌ها فراهم شد، محتوا فراهم است. حال شکل آن می‌تواند دولتی یا خصوصی باشد. هنوز که هنوز است، مؤسسات کارشناسی خسارت در ایران توسط خارجی‌ها نظارت و راهنمایی می‌شوند. بدیهی است در این مرحله شکل حقوقی مؤسسات بیمه نمی‌تواند موجب تحول و توسعه آن گردد. هنوز این بنیان‌ها را نداریم و تا این بنیان‌ها فراهم نشوند، بیمه به معنی واقعی در ایران شکل نخواهد گرفت. این نقص‌ها و

ضعف‌هایی که در حال حاضر در شرکت‌های دولتی وجود دارد، کم و بیش در شرکت‌های خصوصی هم ظاهر خواهد شد و به نظر نمی‌رسد خصوصی سازی موجب توسعه صنعت بیمه شود. بلکه پیامدهایی نظیر رقابت‌های نامطلوب در تهران و بطور کلی تلاش برای تحصیل بیمه‌های موجود را به دنبال خواهد داشت.

○ آسیا : کارشناسان معتقدند حضور بخش خصوصی در صنعت بیمه و افزایش قابل توجه توان بیمه‌گری در کشور علاوه بر توسعه بازار بیمه، بر کیفیت خدمات و همچنین میزان حق بیمه و دستیابی به شاخص‌های توسعه این صنعت تأثیرات مناسبی را بر جای خواهد گذارد. آقای علوی لطفاً تأثیر خصوصی سازی بر توسعه صنعت بیمه را تشریح فرمایید.

• علوی : اگر درست متوجه شده باشم، جناب آقای دکتر رفیعیان با حضور بخش خصوصی مخالف نیستند، اما معتقدند هنوز زمینه‌های مورد نیاز برای حضور بخش خصوصی فراهم نشده است و چون زمینه‌های حضور بخش خصوصی فراهم نیست، این مسأله می‌تواند مشکلات دیگری را برای ما به وجود بیاورد.

با توجه به فرصتی که به همت شما پیش آمده و با تشکر از مسئولین مجله، بحث را با طرح چند سؤال دنبال می‌کنم و بعد به چند مطلب هم به صورت اختصار اشاره خواهم کرد. چرا می‌گوییم خصوصی باشیم و دولتی نباشیم؟

چرا می‌گوییم شرکت بیمه دولتی ناکارآمد و بیمه خصوصی کارآمد است؟ و چه عواملی می‌تواند خصوصی سازی بیمه را در ایران ناکام نماید؟

تجربه دو دهه گذشته بازار بیمه در ایران که طی آن عملیات بیمه‌گری کلاً

در اختیار بخش دولتی بوده است و نتایج حاصل از آن و همچنین تجربه بازارهای بین‌المللی در مقاطعی که در کشورهای مختلف عملیات بیمه‌گری در انحصار کامل دولت‌ها بوده، شاید مناسب‌ترین جواب برای سوال اول باشد. در مورد عدم امکان رشد و توسعه کافی شرکت بیمه دولتی - اگر چه این سوال بحث و بررسی مفصلی را می‌طلبد - به اختصار عرض می‌نمایم که باز هم تجربه‌های موجود در ایران و جهان ثابت کرده است که در اکثر بخش‌های خدماتی، امکان رشد و توسعه با

وجود و اعمال مقررات و قوانین دولتی که با فعالیت شرکت‌های خدماتی سازگاری ندارد، ممکن نیست. شرکت‌های بیمه هم که در بخش خدمات می‌باشند از این مستثنی نخواهند بود.

حتی اگر مدیران و کارشناسان این شرکت‌ها دارای صلاحیت‌های لازم هم باشند و به اندازه کافی برای شرکت خود دلسوزی داشته باشند، باز هم شرایط مطلوب پدید نمی‌آید.

سرمایه‌گذار بخش خصوصی نگران و پی‌گیر سرمایه‌گذاری و سود خود می‌باشد در حالی که در بخش دولتی چنین نیست. در دو دهه گذشته نه فقط در شرکت‌های بیمه، بلکه در همه شرکت‌های دیگری هم که صاحب سهام آنها دولت بوده است، آیا

مسئولین ارشد و اعضای مجامع بر عملکرد شرکت‌ها نظارت لازم و کافی را اعمال نموده‌اند؟ مطمئناً سهامدار بخش خصوصی با دقت و وسواس حداقل در مجامع دنبال نتایج فعالیت شرکت و سود خود می‌باشد. مدیران در بخش خصوصی باید در مجامع پاسخگو باشند و گرنه دیگری جای آنها را می‌گیرد. در بخش خصوصی اگر مدیری بخواهد توسعه و گسترش به وجود بیاورد - که باید چنین باشد - مگر می‌تواند آمار نداشته باشد. جناب آقای دکتر رفیعیان به درستی اشاره فرمودند که در حال

حاضر در صنعت بیمه حتی آمارهای اولیه نیز وجود ندارد. حتی آمار خسارت که امکان تجزیه و تحلیل را فراهم می‌کند؛ به هیچ وجه وجود ندارد. علت آن است که فرصت، علاقه و دلسوزی نیست. کارکنان شرکت‌های بیمه چنان درگیر عملیات اجرایی جاری شده‌اند که واقعا فرصت برنامه‌ریزی از آنها گرفته شده است.

در شرکت‌های بیمه، کارکنان، کارشناسان و مسئولین در نتیجه فعالیت خود در شرکت ذینفع نمی‌باشند.

چنانچه بخش خصوصی فعال شود، شاید مدیریت پاسخگو در بخش خصوصی بتواند در بخش بیمه دولتی یک مقدار تحول به وجود آورد. آقای رفیعیان فرمودند بیمه عامل توسعه اقتصادی نیست. اما ثابت شده است که

توسعه اقتصادی هم بدون بیمه صحیح و کارآمد ممکن نیست. سرمایه‌گذاری بدون داشتن پوشش بیمه با چه خطرات سنگینی روبرو می‌باشد؟ آیا صادرکنندگان بدون برخورداری از پوشش‌های بیمه‌ای می‌توانند فعالیت مؤثر انجام دهند؟

من با آقای دکتر رفیعیان هم عقیده هستم که اگر برنامه نداشته باشیم؛ به هیچ وجه موفق نخواهیم شد. مطمئناً اگر برنامه، تشکیلات، نیروی انسانی، مدیریت و ارزیابی نداشته باشیم، موفقیتی هم وجود نخواهد داشت. همه این‌ها باید وجود داشته باشد تا بتوانیم موفق باشیم. پس از گذشت بیست سال از ملی شدن شرکت‌های بیمه، بعد از آن که چند سال است درباره خصوصی‌سازی و نیازهای این بخش صحبت می‌کنیم؛ آیا برنامه تنظیم شده‌ای داریم؟ در این که ما برنامه لازم را تدوین نکرده‌ایم شک نکنید در حالی که باید یک برنامه مدون و دقیق طراحی شود. تشکیلات و نیروی انسانی لازم و کافی هم نداریم. چنین به نظر می‌رسد که شرکت‌های بیمه خصوصی در آینده موفق خواهند شد که نیروی انسانی لازم را از خارج بیاورند. قبل از انقلاب هم شرکت‌های بیمه از هند و پاکستان نیروی انسانی و به‌خصوص آکچوئر می‌آوردند که در مواردی مفید بودند. امروز حتی یک آکچوئر در صنعت بیمه نداریم. در رشته‌هایی از قبیل محیط زیست، انواع بیمه‌های مسؤولیت... کارشناس نداریم و به قول دوستان، شرکت‌های کارشناسی خسارت ما نیز وابسته به خارج می‌باشند. (همچنان‌که اگر خلبان‌های ما به خارج از کشور نرفته و آموزش ندیده بودند، امروز نیاز کشور برطرف نشده بود) امروز هم همان‌طور که عرض نمودم، لازم است



در اکثر بخش‌های خدماتی امکان رشد و توسعه با وجود و اعمال مقررات و قوانین دولتی که با فعالیت شرکت‌های خدماتی سازگاری ندارد، ممکن نیست. شرکت‌های بیمه هم که در بخش خدمات می‌باشند از این قاعده ۹۸ مستثنی خواهند بود

شرکت‌های بیمه خصوصی تعدادی کارشناس از خارج از کشور برای مدتی کوتاه بیاورند. ضمن آن‌که می‌بایست شرکت‌های بیمه دولتی هم با توجه به توان و امکاناتی که دارند، تعدادی از نیروهای مناسب خود را برای گذراندن دوره‌های حداقل دو ساله برای آموزش علمی و عملی به خارج از کشور بفرستند تا این کمبودها انشا به حداقل برسد.

بحث بعدی فقر مدیریتی و انتخاب مدیران غیرحرفه‌ای است که می‌تواند اثرات زیان باری را به وجود آورد. در سال ۱۳۶۷ تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی مبنی بر این که بیمه دانا در زمینه بیمه‌های اشخاص فعالیت کند، کار درستی بود. ولی مدیران و کارشناسانی که توان انجام این مهم را داشته باشند برای این شرکت انتخاب نشدند. اگر برای این شرکت متخصصین و کارشناسان توانا انتخاب می‌شدند و این شرکت را درگیر مسایل قبل از ملی شدن چند شرکت بیمه نمی‌کردند. آیا این شرکت موفق نمی‌شد؟ شاید ما از معدود کشورهای در جهان باشیم که ثابت کردیم شرکت بیمه تخصصی در رشته اشخاص نمی‌تواند موفق باشد. بنابراین تأیید می‌فرمایید که انتخاب مدیران - که در قانون بیمه مرکزی ایران هم بدان اشاره شده - در شرکت‌های بیمه به چه اندازه مهم است.

اگر بیمه مرکزی ایران برنامه، تشکیلات، نیروی انسانی، مدیریت و در نتیجه نظارت آگاهانه داشته باشد، صنعت بیمه را در راه صحیح قرار داده و در زمان مقتضی به سرمنزل مقصود رهنمون خواهد کرد. مطلب بعد مسأله بازگشت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه خصوصی است. در جامعه‌ای که



نرخ تورمش بالای ۲۰ درصد است و سود بانکی آن‌هم متجاوز از ۱۷ درصد می‌باشد، سود عملیات بیمه‌گری چقدر باید باشد. باید توجه داشت که سود بیمه‌گری معقول در دنیا ۵ درصد است و اگر شرکت بیمه‌ای بیشتر از ۵ درصد سود بخواهد، بیمه‌گر نیست و شاید او را چپاول‌گر بنامند. درست است که شرکت‌های بیمه در بخش سرمایه‌گذاری خود سود تحصیل می‌نمایند، اما با توجه به قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه، امکان سودآوری از محل سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه نمی‌تواند مانند سایر بخش‌ها باشد. بنابراین ما در تناقضی گرفتار شده‌ایم. اگر شرکت‌های بیمه سرمایه لازم را نداشته باشند، چگونه بیمه‌گر باشند. اگر از سرمایه‌گذاران خصوصی دعوت کنیم از کجا و چگونه برای این سرمایه‌گذار در سال‌های اولیه سود متعارف بازار را تأمین کنیم.

نکته بعدی ترکیب سهامداران شرکت‌های بیمه است. در چند سال گذشته در استرالیا و ژاپن شرکت‌های بیمه و بانک‌های قوی به وسیله شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی تأسیس شدند. اما بعد از چند سال فعالیت، تعدادی از آنها فعالیت خود را متوقف و در مواردی ورشکست شدند. در تحقیقاتی که به عمل آمد مشخص

شد که عامل اصلی عدم موفقیت آنها نوع رابطه بین سهامدار و شرکت بوده است. به نظر می‌رسد که اگر بیمه مرکزی ایران هم به شرکت‌هایی که به ظاهر خصوصی هستند - و امروز با توجه شرایط ایجاد شده سرمایه‌های عظیمی را در اختیار دارند و هر شرکت در زیر مجموعه خود تعدادی شرکت تأسیس نموده و تعدادی از سهام را یا مستقیم و یا از طریق بورس به بخش خصوصی واگذار نموده است - مجوز تأسیس شرکت بیمه مستقل را بدهد، با توجه به تجربه بین‌المللی و به خصوص ماده ۳۳ قانون بیمه‌گری که به عقیده من برای شرکت‌های بیمه خصوصی ضروری است، این اقدام به لوث کردن خصوصی‌سازی در ایران منجر خواهد شد. من در یکی از جلسات شورای عالی بیمه عرض کرده‌ام که همه ما موظف هستیم از موارد ذکر شده در مواد ۳۱ تا ۳۸ قانون بیمه‌گری دفاع نماییم. اگر یک شرکت با نام ده شرکت وابسته به خود ادعا کند که با ده سهامدار می‌خواهد شرکت بیمه تأسیس کند، به نظر من این مسأله با مواد قانون تأسیس اختلاف ماهوی دارد و این قابل قبول نیست. چون همه آنها در نهایت منافع و سهامدار مشترک دارند. اگر در مقطعی منافع سهامدار اصلی با منافع شرکت بیمه در تضاد واقع شود، مدیریت شرکت بیمه با توجه به این که شرکت بیمه عام است و سهامداران جزء هم مستقل هستند، مطمئناً می‌داند که چگونه رفتار کند. مدیریت، منافع سهامدار اصلی و یا سهامداران جزء را در نظر می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که بیمه مرکزی ایران می‌بایست در این مورد گزارش‌های لازم را به مجمع عمومی خود - که باید در مورد تأسیس هر شرکت بیمه اتخاذ تصمیم نماید -

ارایه نماید و با کمال قدرت در این خصوص نظارت کند.

قابل ذکر است در صنعت بیمه ناظر باید صاحب اقتدار باشد. اما این اقتدار مطمئناً باید منبعث از توان فنی باشد نه از زور. اگر قرار باشد در بازار بیمه ناظر بیمه بخواهد قدرت و تسلط خود را با زور به دست آورد و نه از توان فنی، در آن صورت بازاری بیمه سالم به وجود نخواهد آمد.

در پاسخ به سؤال شما در مورد تأثیر فعالیت بخش خصوصی بر توسعه صنعت بیمه عرض می‌شود تأثیر بخش خصوصی در ایران بر فعالیت بیمه‌گری بستگی کامل به مطالبی دارد که به صورت مختصر و پراکنده عرض شد. اگر بخش خصوصی واقعی شکل بگیرد، به نظر بنده عامل مهم در توفیق و یا عدم توفیق آن نقش ناظر است.

تکرار می‌کنم اگر ناظر، تشکیلات و نیروی انسانی لازم و کافی داشته باشد و نظارتش منبعث از نیروی فنی و بالنده باشد، مطمئناً حضور بخش خصوصی همچنان که در سایر کشورهای جهان حضوری مؤثر است، در ایران هم نقش مؤثر خواهد داشت اما اگر ناظر به‌جای مسایل اساسی خود را درگیر موارد جزئی شرکت‌های بیمه،

مانند مجوز اخذ نمایندگی و یا شعبه نماید، مطمئناً شرکت‌های بیمه خصوصی نه تنها نخواهند توانست در بازار بیمه اثر مثبت گذارند که خود نیز موفق نخواهند شد. مسأله

خصوصی‌سازی بیمه همانند سایر اقداماتی که در این دو دهه انجام داده‌ایم به دلیل عدم در نظر گرفتن روش‌های علمی و در نظر گرفتن تجربیات بین‌المللی و بالاخره نظارت کامل بی‌نتیجه خواهد بود.

○ آسیا : همان طور که آقای علوی اشاره کردند، پس از بروز تحولات اخیر و تجدید سازمان ناشی از خصوصی‌سازی در صنعت بیمه و فعالیت بخش دولتی و خصوصی در کنار هم، مسأله نظارت بر فعالیت‌های این صنعت اهمیت قابل توجهی می‌یابد. از آقای طهماسبی درخواست می‌شود در مورد نحوه نظارت بر فعالیت‌ها در ساختار جدید صنعت بیمه توضیح دهند.

• طهماسبی : جناب آقای دکتر رفیعیان، مطالب مهمی را مطرح کردند که اگر فرصت بود می‌توانستیم در مورد آنها بحث‌های جالبی داشته باشیم.



نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، این است که بعضی از خواسته‌ها ممکن است جنبه آرمانی داشته و دستیابی به آنها حداقل در کوتاه مدت امکان‌پذیر نباشد. هدف، توسعه بازار بیمه با توجه به شرایط و امکانات موجود است.

ضمن این‌که تلاش می‌شود شرایط بهبود یافته و امکانات را افزایش یابد. توقع و انتظارمان از صاحب‌نظران و اساتید فن این است که کمک کنند تا در این راه درست حرکت کنیم و اگر احساس می‌کنند که در برنامه ریزی‌ها نقطه ضعفی وجود دارد یا این‌که به برخی از مسایل مهم توجه کافی مبذول نشده است، با اعلام پیشنهادهای خود کمک کنند تا ضعف‌ها به قدرت تبدیل شود و همان‌طوری که جناب آقای علوی فرمودند اجرای برنامه خصوصی‌سازی در چارچوب ضوابطی باشد که منافع جامعه و توسعه بازار بیمه را تأمین کند.

و اما در ارتباط با سؤال مطرح شده باید عرض کنم، تا زمانی که قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری تغییر نکرده است، نظارت بیمه مرکزی ایران نیز در چارچوب همان قانون و براساس ضوابط و آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی بیمه انجام خواهد شد و ورود بخش‌ش خصوصی به بازار بیمه تغییری را از این حیث ایجاد نخواهد کرد.

بیان این نکته ضروری است که با توجه به گذشت حدود سی سال از زمان تصویب قانون مذکور و تغییراتی که طی این مدت در شیوه عملیات بیمه‌گری و نظارت بر مؤسسات

بیمه در جهان به وجود آمده است، اصلاح قوانین و مقررات نظارتی و به روز کردن آنها ضروری است. مستحضر هستید در شرایط موجود، شورای عالی بیمه در اجرای قانون

شرکت‌های بیمه، سعی نموده است تا زمینه ایجاد این حرکت را فراهم نماید.

○ آسیا: در شماره‌های قبل نشریه و در بخش‌های میزگرد، مقالات و گزارش‌ها، ابعادی از مسأله خصوصی‌سازی صنعت بیمه مورد بررسی واقع شد. همان‌طور که مستحضربید این مسأله دارای ابعاد متعددی است که بررسی آنها نیازمند زمان کافی و بهره‌برداری از حوزه‌های مختلف علمی است. ضمن تشکر مجدد از کارشناسان محترم جلسه، برای آنان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

و مقدمات موجود و کسب اطمینان از آمادگی و توانایی کادر فنی و اجرایی شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی ایران جهت ایجاد چنین تحولی است و شاید بهتر باشد که برای جلوگیری از وقوع هرگونه هرج و مرج غیر قابل کنترل در بازار بیمه، این تغییرات به مرور و طی یک دوره زمانی سه تا پنج ساله صورت گیرد.

شایان ذکر است بیمه مرکزی ایران در برخی از رشته‌های بیمه‌ای که فاقد تعرفه مصوب بوده است (مانند بیمه‌های مهندسی و مسئولیت) با تفویض اختیارات تعیین نرخ حق بیمه به

تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و به منظور اطمینان از توانمندی مؤسسات بیمه به ایفای تعهدات آنها در مقابل بیمه‌گذاران و جلوگیری از رقابت‌های مخرب بین شرکت‌های بیمه - که می‌تواند منجر به ورشکستگی آنها گردیده و نهایتاً منافع بیمه‌گذاران را با خطر مواجه سازد - حداقل نرخ حق بیمه را در انواع رشته‌های بیمه‌ای تعیین نموده و بیمه مرکزی ایران موظف به کنترل نرخ و شرایط مورد عمل شرکت‌های بیمه و جلوگیری از تخلف آنها شده است.

با این وجود باید اذعان نمود که با ورود تعداد قابل توجه شرکت‌های بیمه جدید به صنعت بیمه، اعمال این روش میسر نمی‌باشد. ضمن این‌که این شیوه نظارت در اغلب کشورهای جهانی منسوخ گردیده است. لذا لازم است شیوه‌های بیمه‌گری و نظارت در کشور مورد بازنگری اساسی قرار گیرد؛ به نحوی که مؤسسات بیمه در شرایط رقابت با یکدیگر و با استفاده از توان کارشناسی خود در تجزیه و تحلیل ریسک‌هایی که به آنها پیشنهاد می‌شود مناسب‌ترین نرخ و شرایط را تعیین و اعمال نمایند و پاسخگوی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود نیز باشند و متقابلاً بیمه مرکزی ایران نیز به جای نظارت بر رعایت تعرفه‌های مصوب توسط شرکت‌های بیمه، بر مجموعه عملیات بیمه‌ای آنها نظارت داشته و با کنترل «حد توانگری» و دیگر مؤلفه‌های مالی شرکت‌های بیمه، مراقبت نماید که این مؤسسات به صورت سالم و مطمئن اداره شده و جوابگوی تعهدات خود در مقابل بیمه‌گذاران و سهامداران خود باشند. بدیهی است که انجام این تغییرات، مستلزم اصلاح قوانین

